



بازخوانی ازدحام‌های تاریخی زمان انقلاب، برای شنیدن سخنرانی رهبر شهید

سیل جمعیت در ضیافت کلام

صندوق
خاطرات

میکروفون و صدلی و... درون همین کابین قرار داشته است.

● در تلاطم عشق و جمعیت

اومی گوید: این کابین را داخل صحن موزه آن زمان قرار می دادند. اما در مواقع سخنرانی افرادی همچون رهبر شهید، جمعیت آن قدر زیاد بود که تا مسافت زیادی در خیابان تهران و حتی روی دیوارها و پشت بام ها حضور داشتند.

این عکاس، فیلم بردار و مستند ساز دوران انقلاب و دفاع مقدس تعریف می کند: در اوایل ریاست جمهوری رهبر شهید، یک روز که قرار بود ایشان در حرم رضوی سخنرانی کنند، سیل جمعیت آن قدر زیاد بود که ماشین ایشان نمی توانست نزدیک بیايد. به گفته او، برای دیگر سخنرانان ماشین تا نزدیک کابین می آمده

فهمیه شهری | حسین مرادیان را با دوربین عکاسی اش می شناسند. جزو عکاسان زمان انقلاب است و صدها عکس از او در مراکز مختلفی همچون بنیاد شهید و آرشیو بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس نگهداری می شود. این شهروند محله لشکر به واسطه حضورش در راهپیمایی ها و میدان جنگ دوران دفاع مقدس خاطرات مختلفی دارد. یکی از خاطراتی که این روزها از آن یاد و عکسش را نظاره می کند، مربوط به سخنرانی رهبر شهید در دوران ریاست جمهوری شان در حرم رضوی است.

● کابین سخنرانان در حرم رضوی

مرادیان در آلبومش عکسی دارد که با چهره ای خندان کنار رهبر شهید نشسته است. این عکس از درون کابین یک تریلی است که در صحن موزه حرم قرار داشته و رهبر شهید در آن سخنرانی کرده اند. او به عنوان عکاس آنجا حضور داشته و چون سپاهی بوده، به گفته خودش جزو آنکافراد ای بوده که مجوز عکاسی از چنین مراسمی را داشته است. حسین آقا تعریف می کند: پس از انقلاب خیلی پیش می آمد که به مناسبت های مختلف و بعد از هر راهپیمایی، مردم به سمت حرم رضوی می آمدند و آنجا به طور معمول، یک یا چند نفر سخنرانی هایی برای مردم انجام می دادند.

به گفته او، آن زمان کابین مربوط به بار یک تریلی را به حرم رضوی می آوردند و روی آن را با پرچم، عکس شهدا، شعارهای مختلف و... تزیین می کردند. امکانات سخنرانی همچون



و سخنران از پله های چوبی کابین بالا می رفته و پس از کمی استراحت و پذیرایی ای که داخل کابین انجام می شده، پای میکروفون می رفته و صحبت می کرده است. او ادامه می دهد: آن روز که قرار بود آقای خامنه ای (۹) سخنرانی کنند، آن قدر جمعیت زیاد بود که ماشین حدود پنجاه متر دورتر از پله های کابین نگه داشت. آقای خامنه ای پیاده شدند، اما سیل جمعیت نمی گذاشت ایشان به محل سخنرانی برسند.

● دست در دست رهبر شهید

او آن روز و رهبر شهید را به گلی روی موج آب تشبیه می کند و می گوید: همان طور که موج آب در یک شاخه گل را حرکت می دهد، حضرت آقا هم در سیل جمعیت همین طور به این طرف و آن طرف می رفتند. مرادیان آنجا بالای پله می رود تا دست حضرت آقا را بگیرد و ایشان را بالا بکشد. او تعریف می کند: چند بار حضرت آقا تا نزدیک پله رسیدند، اما سیل جمعیت ایشان را دور کرد. بار دیگر که نزدیک شدند، دو دستی ایشان را گرفتیم و کشیدیم بالای کابین.

او صحبت های آن روز ایشان را در خاطر ندارد، اما می گوید: رهبر شهید همیشه مورد استقبال مردم قرار می گرفتند و این استقبال آن قدر زیاد بود که جز عشق، تعبیر دیگری نمی توان برایش به کار گرفت. به نظر او، جمعیتی که برای مراسم تشییع ایشان آمده بودند و این جماعتی که بیش از ۱۵ شب است جبهه خیابان را رها نکرده اند، ریشه در همان عشق دارند.

داستان موفقیت نوجوان محله آب و برق
که اجراهای مهمی در گروه سرود داشته است

در مسیر حرفه ای شدن با «نصر سلمان»



امید محله

● این روزها مداحی هم می کنی؟

من مدت هاست در هیئت «رأس الحسین» هستم. شنبه شب ها بچه ها به هیئت می آیند و برایشان مداحی می کنم. به این رشته علاقه دارم و می خواهم آن را ادامه دهم.

● برای درس خواندن هم مصمم هستی یا

دوست داری راه مداحی را دنبال کنی؟

درسم خیلی خوب است. به رشته الکترونیک علاقه دارم و می خواهم در آینده مهندس برق شوم. به نظرم درس خواندن و هنر مکمل هم هستند.

● پس می خواهی در آینده آقای مهندس مداح شوی؟

(می خندد) بدون شک، اگر خدا بخواهد.

● خانواده ات چقدر در این راه حمایت کردند؟

پدرم هم صدای خوبی دارد و اهل قرائت قرآن است. همین سابقه پدرم باعث شده است درک بهتری از علاقه من به سرود و مداحی داشته باشد. مادرم هم مشوقم است.

● برای هم سن و سال های حرفه ای داری؟

به نظرم دنبال یادگیری حرفه ای باشند. وقتی کاری حرفه ای باشد، در جامعه دیده می شود. مادر گروه سرودمان بیش از بیست اثر تولیدی داریم که صفر تا صد آن، با شعر، آهنگ ساز و صدای خودمان ساخته شده است. همه ما به «حرفه ای بودن» گروهمان افتخار می کنیم. البته رمز موفقیت گروه «نصر سلمان»، نظم و اخلاق است. دوست دارم از سرپرست گروهمان، آقای سید مصطفی ذبیحی، تشکر کنم.

فقط به استعدادم اکتفا نکردم. در دوره های صداسازی استاد سید مجتبی ذبیحی که سابقه طولانی در زمینه موسیقی و سرود دارند، شرکت کردم و این باعث شد بتوانم بهتر بخوانم. دوسه ماه بعد از فعالیتیم در گروه، اولین تک خوانی ام را تجربه کردم و حالا در پانزده سرود تولیدی گروهمان تک خوان هستم.

● اجراهای مهم گروه، چه بوده است؟

گروه ما در مراسم تشییع آقای شهید در مشهد اجرا داشت. اسم سرودمان «تشییع» بود و من هم تک خوان آن بودم. به جز این، سال ۱۴۰۲ در جشنواره فجر کشوری در رده سنی کمتر از پانزده سال، مقام اول را کسب کردیم. مادر حرم امام رضا (ع) سرودهای متعددی خوانده ایم و در بسیاری از سازمان ها و ادارات اجرا داشته ایم.



شاهیان | آگاهی انتخاب های ما بهترین مسیری را برایمان می سازند که می توانیم در آن بدرخشیم و نمونه باشیم. برای شایان عرفانیان، نوجوان محله آب و برق، نیز چنین اتفاقی افتاده است. او که هنوز کلاس دهم را شروع نکرده است، می تواند از تجربیاتش در زمینه حرفه ای شدن در تک خوانی سرود و مداحی صحبت کند. موفقیت هایی که این نوجوان با انگیزه در کنار هم گروهی هایش کسب کرده، حالا از شایان عرفانیان، نوجوان مصممی ساخته است که با اعتماد به نفس می تواند از مسیر آینده اش حرف بزند.

● شایان، چه شد که مداحی را شروع کردی؟

راستش من پیش از مداحی، تئاتر کار می کردم. کلاس دوم دبستان که بودم، در نمایش «چوپان دروغگو» نقش اول را بازی کردم. این نمایش در سطح ناحیه، اول شد. بعد از آن علاقه زیادی به سرود پیدا کردم. پدرم دوست داشت به سمت تواسیح بروم، اما اشتیاق من به خوانندگی و اجرا بیشتر بود.

● احتمالاً با توجه به سنی که

داشتی، در مسیری قرار گرفتی که پدرت می خواست؟

نه اتفاقاً. با همراهی یکی از آشنایان به گروه سرود «نصر سلمان» معرفی شدم. اجراهای این گروه، مذهبی و ویژه مناسبت ها بود. چون علاقه داشتم،